



بررسی پدیده حاشیه نشینی با محوریت نظام اسکان

آصف آیت اللهی

چکیده

در فرآیند تاریخی شکل گیری پدیده حاشیه نشینی، دو عنصر مکان و زمان به عنوان شرایط عام (شرایط لازم) برای تکوین این پدیده و دو عنصر اقتصادی و اجتماعی به عنوان شرایط خاص (شرایط کافی) برای شناخت و درک آن جلوه میکنند. حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی در معنای امروزی بر اثر رشد سریع و شتابان شهرها پس از انقلاب صنعتی و جذب جمعیت بسیار از روستا و بر اثر مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی در کشور های مختلف جهان به خصوص کشورهای جهان سوم بروز میکند.

حاشیه نشینی و سکونت گاه های نامتعارف و غیر رسمی از جلوه های فقر شهری اند که اشکال زشت خود را در بخش مسکن نمایان میکنند. حاشیه نشینان در حقیقت کسانی هستند که جذب نظام اجتماعی و اقتصادی شهر نشده اند و در محل اسکان خود از حداقل امکانات بی بهره اند. این بخش ها نه عملا شهری اند و نه عملا روستایی و با توجه به متنوع بودن دلایل حاشیه نشینی نمی توان دلایل وجود آن را از شهری به شهر دیگر تعمیم داد. در این مقاله سعی شده ضمن تعریفی از حاشیه نشینی و بررسی سابقه تاریخی و علل به وجود آمدن آن در ایران و جهان، با تاکید بر نظام اسکان برای این معضل راهکار هایی پیشنهاد شود.

واژه های کلیدی:

حاشیه نشینی، فقر، نظام اسکان، طرد شدگی، بهسازی و نوسازی، شغل های غیر رسمی، کیفیت مسکن.



مقدمه:

حاشیه نشینی و تبلور در آن قالب گتوهای نژادی و مذهبی و مانند آن ریشه در تاریخ دارد، اما چنین پدیده ای به شکل امروزی آن ناشی از تغییرات در روابط و مناسبات سنتی انسان ها بوده است. در ریشه یابی حاشیه نشینی در مقیاس وسیع، نیز باید به خاستگاه اصلی آن یعنی اروپا برگشت. از آغاز دوران انقلاب صنعتی به بعد اراضی زراعی به تیول صاحبان قدرت درآمد و به تبع آن اقتصاد روستا مختل شد و روستاییان به فکر یافتن راه دیگری برای گذاران زندگی خود افتادند. (امیری نژاد، 1391: 31)

پس انقلاب صنعتی و پر رنگ تر شدن نقش صنعت و به دنبال آن نقش شهرها و ایجاد فرصت شغلی بسیار در شهرها، سیلی از جمعیت برای کار از سوی روستاها به سمت شهرها روانه شدند. به دلیل هجوم این حجم از نیروی کار و آماده و پاسخگو نبودن تاسیسات و زیرساخت های شهری به ناچار این افراد در نقاطی حاشیه ای و یا در نقاطی با کمترین قیمت زمین و با حداقل امکانات ممکن ساکن شدند و با گذشت زمان و به دلیل فقر و پایین بودن سطح طبقاتی و متفاوت بودن در بسیاری از ابعاد با ساختار اصلی شهر، این قشر به مرور از شهر کنار گذاشته شده و حاشیه نشین نامیده شدند. در این میان با مهاجرت های روستایی (و امروزه بعضا شهری)، عدم تخصص کافی و نارسایی های اجتماعی و مهم ترین مورد مسکن نامناسب (حلبی آبادها) همه به مشکلات زاغه نشینان می افزایند. ویژگی کلی حلبی آبادها را میتوان در سکونت های دسته جمعی و متراکم، مقررات، همبستگی و فرهنگ خاص آنها یافت. در حال حاضر اشکال کلاسیک حاشیه نشینی فقیرانه مانند کپر نشینی، زاغه نشینی و حلبی آبادها در حال گسترش هستند. (ربانی، 1383: 122)

معضل مسکن بیشترین فشار روحی و روانی را بر یکایک افراد خانواده وارد می آورد تا بدان جای که در بین عوامل پدید آورنده بسیاری از آسیبها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی به مشکلات ناشی از فقدان مسکن نیز اشاره می شود. (پیران، مسکن گروه های کم درآمد و اسکان غیر رسمی در ایران). در بلوک های حاشیه نشین عمدتاً به دلیل فقر اقتصادی و نبود فضای کافی جهت ساخت و ساز اکثریت ساختمان ها با بی کیفیت ترین مصالح ممکن به دور از هر گونه محاسبات مهندسی ساخته شده اند و ساکنین آن از نقطه نظر اقتصادی اکثراً دارای شغل های کاذب یا دارای درآمد بسیار پایین هستند. علی رغم مسائلی که این مجموعه ها از نقطه نظر اقتصادی، اجتماعی، ایجاد کرده و میکنند، از نقطه نظر اسکان جمعیت-جمعیتی که با ضربان غیر طبیعی در حال رشد است-نقش خود را به خوبی ایفا کرده اند. (حبیبی، 1381: 27)

با توجه به پایین بودن سطح مالی و فرهنگی و اجتماعی حاشیه نشینان، مسکن این قشر دارای معضلات فراوان است. از معضلات عمده در بحث اسکان حاشیه نشینان میتوان از این موارد یاد کرد: عدم رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری در ساخت، عدم وجود تاسیسات و خدمات مناسب در بلوک حاشیه نشین، فرسوده و ناپایدار بودن اکثریت واحدهای مسکونی، بالا بودن تراکم مسکونی در این بلوک ها و عدم وجود دسترسی های مناسب.

روش جمع آوری داده در این مقاله به روش کتابخانه ای صورت گرفته و موضوع اصلی تحقیقات حاشیه نشینی با محور اسکان است. از آنجایی که مشکل اصلی حاشیه نشینی در کشور های در حال توسعه نهفته است چرا که گستردگی این پدیده، سبب بروز آن به شکل حادثی در این کشورها گردیده است. به صورتی که برخی منابع حجم آن را 30 تا 70 درصد جمعیت بسیاری از کشور های در حال توسعه اعلام میکنند (زنگی آبادی، 1384: 183)، لذا در مقاله سعی شده تا با توجه به کلیت موضوع بیشتر کشور های در حال توسعه و جهان سوم (مانند ایران) بررسی شوند.

با گسترش روزافزون این پدیده در شهرها و عدم مدیریت صحیح در بسیاری از این موارد، پرداختن جدی تر به معضل حاشیه نشینی و راهکارهای آن احساس میشود تا با کمک آنها بهترین روش مدیریت و حل این معضل را پیشنهاد داد.



بیان مسائله

مفهوم حاشیه نشینی شهری معضلی است که بسیاری از معضلات ریز تر از قبیل فقر، عدم تخصص، مسکن غیر استاندارد و نامناسب، بزهکاری و جرم و نبود دسترسی ها و تاسیسات را یادآور می شود. جمعیت حاشیه نشینان هم طبق برآورد ها و تخمین ها امروزه به بیش از یک میلیارد نفر می رسد. وجود مناطق حاشیه نشین یک پدیده جهانی می باشد. دلایل شکل گیری این پدیده متنوع و متعدد است که ممکن است از مکانی به مکان دیگر متفاوت باشد، به هر حال مهاجرت یکی از دلایل اصلی آن به شمار می رود. (زنگی آبادی، 1384: 184)

ساکنان این قسمت شهری در گذشته اغلب روستاییانی بوده اند که برای درآمد بیشتر و به سبب بزرگ شدن شهرها و صنایع و دور بودن فاصله روستاهایشان از شهرها و عدم توانایی در خرید زمین در جایی مناسب از شهر در این حاشیه و نقاط کم قیمت شهر ساکن شده اند. در حال حاضر علاوه بر روستاییان افراد شهر نشینی که توانایی مالی بالایی ندارند به ناچار به این نقاط مهاجرت میکنند. با توجه به مشکلات عدیده یاد شده صرف بالا بردن کیفیت مسکن و یا قانونی کردن این نوع مسکن راه حل نهایی برای این معضل نیست، اما حل مشکل مسکن در این موارد باعث میشود تا شاید یکی از مهم ترین مشکلات این قشر از جامعه برطرف شود و بتوان با سهولت بیشتری به سایر مسائل پرداخت.

در یکی از گردهمایی های کارشناسی برای اجرای اهداف توسعه هزاره جدید و تحقق هدف شماره یازده آن یعنی تحت پوشش قرار دادن یک صد میلیون ساکنان نواحی فرودست شهری به پنج مشخصه عمومی برای شناخت و ارزیابی روند تحول این گونه سکونتگاه ها اشاره شده است که عبارتند از :

- عدم تامین امنیت و حق نگاهداشت محل سکونت
- عدم دسترسی به آب بهداشتی
- عدم دسترسی مناسب به امکانات بهداشتی و سایر زیرساخت ها
- وضعیت نامناسب ساختار مسکن (مسکن کم دوام)
- تراکم بیش از اندازه جمعیت

اهمیت معرف های پیش گفته را می توان به شکل زیر بیان کرد :

دسترسی به آب بهداشتی : امکان دسترسی به آب بهداشتی متناسب با نیاز خانوار از طریق بهبود شبکه آب و در توان مالی خانوارها بی آن تلاش مضاعفی از این بابت متوجه زنان و کودکان باشد .
دسترسی به امکانات بهداشتی : امکان استفاده خانوارها از سرویس های بهداشتی (توالت های عمومی یا خصوصی) و شبکه دفع فاضلاب

امنیت و حق نگاهداشت محل سکونت : برخوردای از امنیت سکونت حق مسلم تمامی افراد و گروه های اجتماعی محسوب می شود و باید دولت ها در قبال تهدید به تخریب اجباری محل سکونت حمایت های لازم را به عمل آورد .

تراکم در واحد مسکونی : معمولاً با کاهش سرانه زیربنا همراه است به نحوی که کمیت سنجه نفر در اتاق افزایش می یابد . نمونه های در دسترس از محلات فرودست شهری در مقیاس جهانی نشانگر افزایش تراکم نفر در اتاق تا حد 5 نفر است . برای مثال در برخی محلات فرودست شهری بانکوک حدود 15 واحد مسکونی در فضایی به مساحت 1600 متر مربع احداث شده اند ، این رقم در کلکته به 700 مترمربع می رسد یا بنا بر تعریف سرشماری کشور هند در یک بلوک مسکونی حداقل 300 نفر یا 60 خانوار ساکن هستند .



نماگرها یا معرف های محله های فرودست شهری

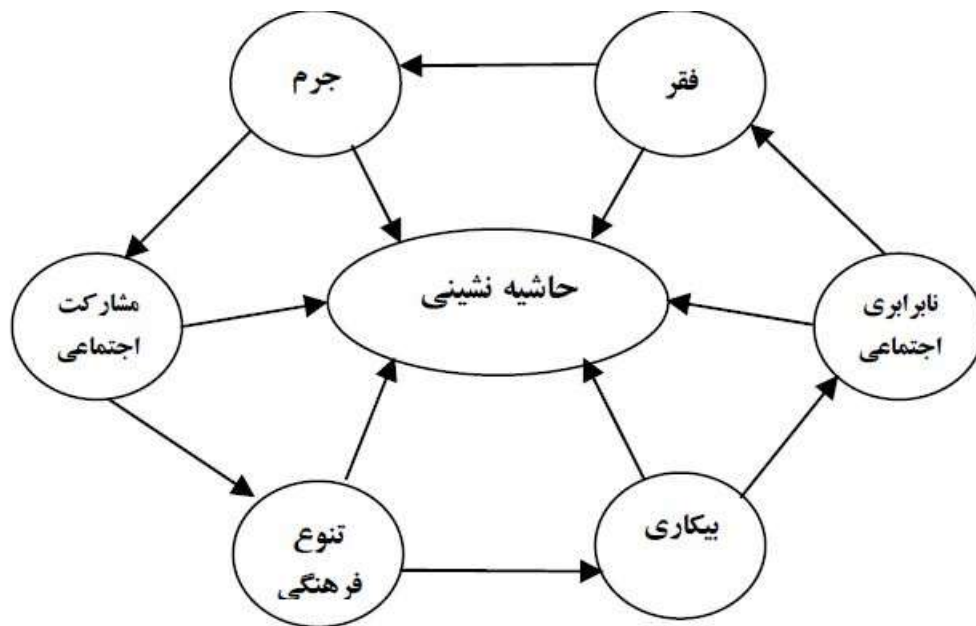
مشخصه ها	نماگر یا معرف ها	تعریف
1. دسترسی به آب	عرضه ناکافی آب آشامیدنی (بر اساس معرف MDG29)	سکونتگاهی دسترسی ناکافی به عرضه آب آشامیدنی دارد که کمتر از 50 درصد خانوارها به عرضه آب دسترسی داشته باشند <ul style="list-style-type: none"> ▪ برخورداری از آب لوله کشی ▪ دسترسی به ایستگاه های آب فشاری جمع آوری آب باران حد اقل به اندازه 20 لیتر به ازای هر نفر روزانه در فاصله دسترسی قابل قبول
2. دسترسی به بهداشت	بهداشت نامناسب : (بر اساس معرف شماره 30 اهداف توسعه هزاره MDG)	هر سکونتگاهی که کمتر از نیمی از جمعیت آن وضعیت بهداشتی مناسبی نداشته باشند : <ul style="list-style-type: none"> ▪ مجرای فاضلاب عمومی ▪ سپتیک تانک ▪ توالت های دارای سیفون یا منبع آب ▪ توالت های متصل به چاه و دارای تهویه سایر امکانات در صورتی مناسب تشخیص داده می شوند که خصوصی باشند یا حد اکثر مورد استفاده دو خانوار قرار داشته باشد
3. کیفیت ساختاری مسکن	الف . موقعیت	نسبت خانوارهایی که در اراضی نامناسب و در معرض خطر یا پیرامون آن سکونت دارند ، و از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: <ul style="list-style-type: none"> • ساخت و ساز مسکن در اراضی که از حیث زمین شناختی ، در معرض ریزش کوه ، زمین لرزه یا طغیان قرار دارند • واحد های مسکونی که در مجاورت محل دفن زباله ها احداث شده اند • واحد های مسکونی احداث شده در مناطقی که دارای آلودگی ناشی از فعالیت های صنعتی هستند



<ul style="list-style-type: none"> • واحد های مسکونی در مجاورت مناطق پرخطر حفاظت نشده ، مانند: خطوط راه آهن ، فرودگاه ها ، خطوط انتقال حامل های انرژی 		
<ul style="list-style-type: none"> • نسبت خانوارهایی که در سازه های موقت یا فرسوده یا تقریباً مخروبه سکونت دارند، موارد زیر را می توان معرف این وضعیت دانست : • کیفیت ساختمان (برای مثال مصالح به کار رفته برای دیوار، کف و سقف) انطباق با مقررات محلی ساختمانی ، استانداردها ، قوانین 	<p>ب. استحکام و دوام سازه</p>	
<p>نسبت خانوارهایی که تعداد افراد در اتاق آنها بیش از 2 نفر است .گزینه دیگر را می توان حداقل استاندارد سرانه زیر بنا قرار داد (برای مثال 5 متر مربع برای هر نفر)</p>	<p>الف. ازدحام و تراکم</p>	<p>4. تراکم افراد در واحد مسکونی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • نسبت خانوارهایی که نسبت به زمین و واحد مسکونی خود مالکیت رسمی دارند. • نسبت خانوارهایی که نسبت به عرصه یا اعیان حق تملک رسمی دارند. <p>نسبت خانوارهایی که توافق قابل قبول یا هر سندی دارند که نشان دهنده توافق و پذیرش سکونت آنها در زمین یا واحد مسکونی است</p>	<p>حق نگاهداشت محل سکونت (معرف 31 اهداف توسعه هزاره (MDG)</p>	<p>5. امنیت نحوه تصرف محل سکونت</p>

منبع: طرح بررسی حاشیه نشینی (محله های فرودست شهری-اسکان غیر رسمی)

از نظر دکتر پیران "زاغه های معمولاً در مکان هایی پدید می آیند که به هیچ عنوان برای سکونت انسان مناسب نیستند، اغلب این سکونتگاه ها بر روی اراضی حاشیه ای شهر که ارزش بسیار کمی دارند واقع شده اند، مناطقی مانند دامنه تپه های اطراف شهر، زمین های مرطوب و مردابی، زمین های اطراف محل انباشت زباله های شهری، زیر کابل های فشار قوی، حاشیه رودخانه ها و مکان هایی که در معرض سیل بوده و سیلابهای موسمی در آن در می دهند." در تعریفی دیگر از حاشیه نشینی میتوان گفت: آهنگ شتابان مهاجرت های بی رویه از روستا به شهر، علاوه بر دامن زدن به نابسامانی های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاشیه نشینی شهری را پدید می آورد، و در واقع فقر روستایی به فقر شهری با کلیه محرومیت های آن تغییر مکان میدهد.(حبیبی، 1381:20)



خلاصه ای از عوامل ایجاد حاشیه نشینی و تاثیر گذار بر آن

به طور کلی زاغه ها را میتوان به دو دسته تقسیم کرد: 1- سکونتگاه ها و زاغه های غیر قانونی 2- سکونتگاه ها و زاغه های مرکز شهر (امیری نژاد، 1391:30)

سکونتگاه های دسته اول در حاشیه شهر ها ایجاد میشوند، آنها دارای تاسیسات، دسترسی و خدمات حداقلی اند، مشاغل قشر ساکن این نواحی بیشتر کاذب و غیر رسمی است و در بخش مسکن نیز این خانه هایشان به صورت قارچ گونه و اغلب کاملا فشرده ساخته شده اند. این خانه بدون هیچ گونه نظارت و بازرسی ایجاد شده اند مصالح به کار رفته در آنها عمدتا مواد ارزان قیمت و در دسترس محلی مانند: حلبی ها، سنگ، پلاستیک، نخاله های ساختمانی، گل، خشت با کیفیت بسیار پایین و... هستند. سکونتگاه های دسته دوم درون شهرها واقع میشوند، در این دسته از سکونتگاه ها دسترسی ها نسبت به دسته قبل بهتر است اما تجهیزات و تاسیسات شهری بازهم در حداقل ممکن است، برخلاف سکونتگاه های دسته اول قیمت زمین در این دسته نسبت به مکان زمین و سازه روی آن بسیار گران بوده و سازه های ساخته شده کمترین مقاومت در برابر بلایای طبیعی دارند و اغلب فرسوده و بی کیفیت هستند. این بخش عموما در فضاهای خالی درون شهر ها ایجاد شده و تابع هیچ گونه مقررات شهرسازی و معماری نیست.

بلوک های حاشیه نشین به طور کلی دارای مزایا و معایبی هستند، برای مثال تعاملات و همبستگی اجتماعی در این بلوک ها بسیار بالاست تا بتوانند راحت تر بر مشکلات و سختی ها فائق آیند، جامعه ساکن در قسمت نه جامعه ای شهری است نه روستایی بلکه چیزی میان این دو است، با فرهنگی مختص به خود، این ساکنین اغلب در برابر بهسازی و یا تخریب و حتی جا به جایی محل اسکان خود مقاومت کرده و ترجیح میدهند در همان محل با کمترین امکانات ساکن بمانند، در این مورد برخلاف باور عمومی ساکنین اکثرا از محل اسکان خود راضی اند. مناطق حاشیه نشین از معایب بسیاری برخوردارند، این مناطق کانون های جرم و فساد خیز هستند، حرفه های غیر مولد و شغل های کاذب در بین ساکنین رواج دارد و به همین دلیل در بعضی از ماه های سال تعداد بسیار زیادی از ساکنین بیکار می شوند، آمار بیماری در مناطق بسیار بالاست.



به طور کلی خصوصیات مناطق حاشیه نشین را میتوان اینگونه بیان کرد:

- 1- منطقه واحد های مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها
- 2- تسلط فرهنگ فقر در این منطقه و ایجاد خود فرهنگ های خاص این مناطق
- 3- جدایی گزینی توده ای از مردم روستایی از جامعه بشری
- 4- شهرک های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام ساختمانی
- 5- گوشه گیری مردم منطقه از زندگی شهری
- 6- مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها (ربانی، 1383: 126)



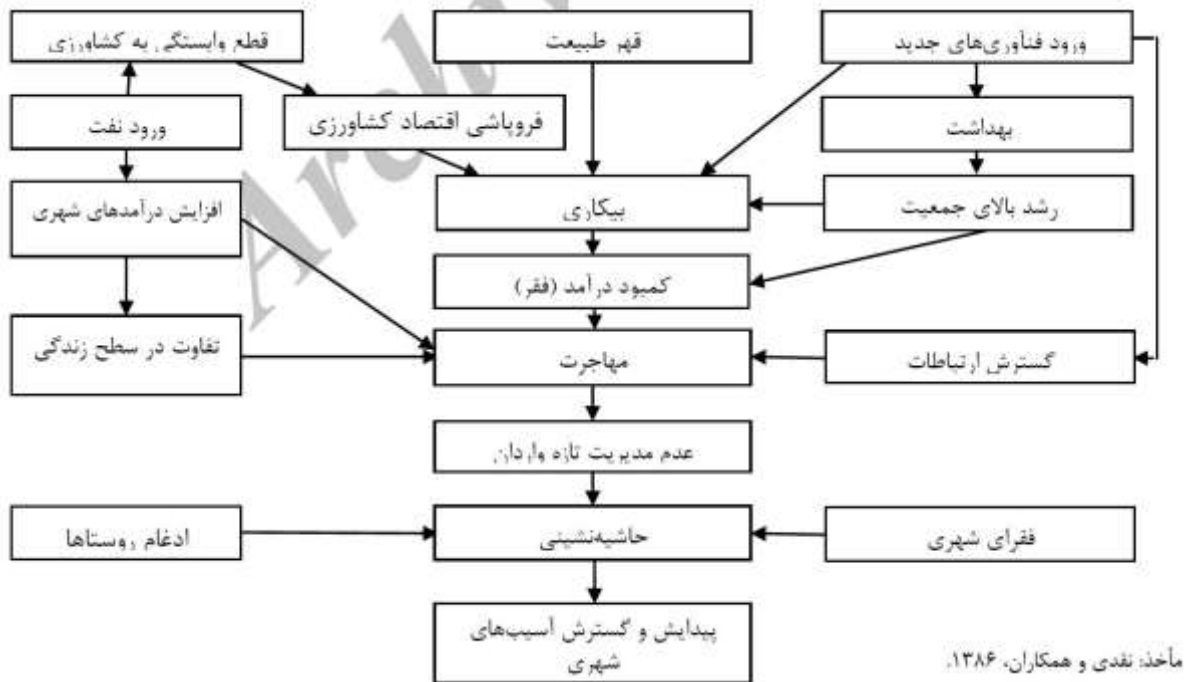
منطقه حاشیه نشین مجاور و در تعارض با بافت شهر

در ایران نیز نخستین اشکال حاشیه نشینی در تهران ظاهر شد اما نه تنها به مرکز محدود نماند، سایر شهرها نیز به فراخور تغییرات اجتماعی و اقتصادی درگیر ظهور حاشیه نشینی شدند به طوری که امروزه در همه شهرهای ایران شاهد چنین الگوی سکونتی هستیم. (نقدی، 66:1391) انقلاب از بالا در سال 1341، عملاً به از هم پاشیدن نظام کهن زراعی میپردازد. بدون آن که هیچ جانشینی برای آن تدارک دیده شده باشد- و سرمایه های صاحبان مکتب و ملک به سوی صنایع مفروض سوق داده می شود. در برنامه سوم اقتصادی-اجتماعی کشور ایجاد قطب های صنعتی علاوه بر تهران که در سالهای پیش از این تاسیسات و تجهیزات زیرساختی لازم را فراهم آورده و در اختیار دارد، در اصفهان تبریز، اهواز، اراک و قزوین در دستور کار قرار میگیرد؛ دو شهر آخر عملاً در حوزه نفوذ مستقیم پایتخت قرار بوده و به منظور تقسیم کار با تهران ایجاد میگردند. (حبیبی، 26:1381) با هجوم این نیروی کار به شهرها و عدم وجود خانه های کافی جهت اسکان این جمعیت و با توجه به پشتیبانی قوانین آن سالها (قوانین شهرک سازی و نظارت بر گسترش آن شهرها از جمله تهران) سوداگران زمین توانستند با تغییر دادن کاربری بسیاری از اراضی از زراعی به مسکونی و ایجاد امکانی شهرک مانند بلوک هایی از خانه ها را ایجاد کنند تا حداقل نیازهای این مهاجران را تامین کنند. این در حالی بود که در آن زمان و حتی پس از آن هیچ یک از نیازهای اولیه ساکنان این مناطق و شهرکها در نظر گرفته نشده بود و این موجب بروز بسیاری از مشکلات برای این افراد شد.



با گذشت زمان و بزرگ تر شدن این شهرک های خوابگاهی چه در تهران و چه در سایر شهر های بزرگ مثل اصفهان، اهواز، شیراز، اراک و... به مرور بحث حاشیه نشینی جدی تر شد و تبدیل به معضلی شد که اکنون بسیاری از محققان اعلام میدارند بین 30 تا 70 درصد ساکنین شهر های کشور های در حال توسعه حاشیه نشین هستند.

به طور کلی علل ایجاد حاشیه را می توان در جدول زیر بررسی کرد.



حاشیه نشینی از دیدگاه اقتصادی

اغلب افراد حاشیه نشین به مشاغل خدماتی سطح پایین اشتغال دارند و تعدادی از ماه های سال بیکارند، اکثریت آنها به مشاغل خدماتی مشغول بوده و همین مورد هیچ نوع امکان پیش بینی آینده شغلی، و به تبع آن پیش بینی دیگر عرصه های زندگی، را برای آنها باقی نمی گذارد. در چنین شرایطی آنها حتی نمیتوانند برای آینده نزدیک خود برنامه ریزی کنند. از این رو تمام زندگی آنها با چشم انداز های روزمره و فوق العاده کوتاه مدت تنظیم می شود. (اسماعیلی، 1391:187) دلیل اشتغال این قشر در سطوح پایین خدماتی اغلب بخاطر نداشتن مهارت کافی و تحصیلات لازم است. زندگی آبادی می نویسد: "افراد مهاجر و گروه های کم درآمد شهری، به دلیل فقدان و یا پایین بودن مهارت و تخصص لازم، یا در مشاغل موقتی، حاشیه ای و کاذب جذب می شوند و یا این که به گروه عظیم بیکاران شهری می پیوندند. این مسئله ایجاد کننده نوع جدیدی از نابرابری اقتصادی-اجتماعی است، که در فضاهای شهری به گونه ای ویژه منعکس می شود. (1384:187)

در تحقیقات انجام گرفته در دهه 40 از یکی محله های تهران به عنوان یک بخش حاشیه نشین نتایج زیر بدست آمد:

62 درصد شاغلان کارگر ساده، 12 درصد کارگر نیمه ماهر، 14 درصد کارگر ماهر، 13 درصد کاسب خرده پا یا پیشه ور یا فروشنده دوره گرد هستند. اینگونه مشاغل خرد و فصلی به طور کلی نمیتوانند تامین کننده مایحتاج خانواده حاشیه نشینان باشند پس حاشیه نشینان به ناچار و یا با آگاهی کامل به سراغ سایر مشاغل در تعارض با قانون می روند، به طوری که در همین بررسی ها معلوم گشت اکثریت جوانان و حتی سالمندان در باند ها و مافیا های قاچاق و مواد مخدر حضور دارند و نقش ایفا میکنند.



حاشیه نشینی را نیز میتوان از دیدگاه اقتصادی بررسی کرد، که به این ترتیب عناصر متشکل حاشیه نشینی و سرچشمه های آن اصلی آن در دو بخش خلاصه می شوند:

1- شرایط نامطلوب زندگی اقتصادی و اجتماعی حاشیه نشینان

2- مهاجرت روستاییان به شهرها، به ویژه شهر های بزرگ

بنابراین، میتوان تمام افرادی را که در جامعه شهری از لحاظ درآمد، و یا بهره مندی از خدمات، در شرایط نامطلوبی به سر می برند، حاشیه نشین به شمار آورد و یا تمامی مهاجرین روستایی را در این دایره به شمار آورد. (حاج یوسفی، 1381:13)

دلیل اصلی نیافتن شغل توسط حاشیه نشینان را شاید بتوان سطح پایین سواد و مهارت ها نامید. در شهر های امروزی برای داشتن حقوق پایدار و شغل مناسب و رسمی اغلب اوقات نیاز به پایه مدرک تحصیلی و میزان مشخصی از مهارت است که بیشتر حاشیه نشینان از این دو عامل بی بهره اند. توانایی حاشیه نشینان اغلب در کشاورزی و دامداری است که این مورد نیز در حاشیه شهر و یا بافت های فرسوده درون شهر ها به سادگی میسر نمی شود.

به دلیل عدم مهارت حاشیه نشینان و سختی برای ورود به بازار کار برای حل این مشکل صرفا در بحث اقتصادی باید حاشیه نشینان را با توجه به علایق در گروه هایی طبقه کرد و به آنها حرفه های مناسب جهت ورود به بازار کار آموخت هم چنین باید فضاهایی جهت ایجاد کسب و کار های کوچک در محلات حاشیه نشین ایجاد کرد تا بتوانند درآمدی برای خود کسب کنند. از بین بردن باند های مافیا و قاچاق و پاکسازی محلات کمکی شایانی به رونق کسب و کار های قانونی و مناسب در این محلات میکند.

حاشیه نشینی از دیدگاه فرهنگی

حاشیه نشینان از انقلاب صنعتی تا اوایل قرن حاضر عمدتاً از روستا نشینان مهاجر بودند که در حواشی شهر به شکل متفاوت از بافت شهر ساکن شده بودند. این تفاوت ها در همه عرصه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و دارد. به مرور زمان این مردم فرهنگی را اختیار کردند که نه عملاً شهری بود نه روستایی، فرهنگی مختص به همان بلوک حاشیه نشین بوده و باعث ایجاد حس همبستگی بین ساکنان آن می شود. هم چنین تفاوت در فرهنگ جامعه ای را پدید آورده که نه روستایی است نه شهری بلکه چیزی ما بین این دو است.

دکتر حبیبی در این باره می نویسد: از دیگر خصیصه های این کانون ها که در قبل نیز به آنها اشاره شد- شکل باز زندگی اجتماعی است که نه شهری است نه روستایی، اطلاق روستا-شهر نیز مصداق چندانی ندارد. با توجه به اینکه شیوه غالب معیشت در این کانون ها کارگری است؛ ولی به علت دور بودن محل کار و تعریف "کارگر" در شرایط موجود، تاثیر این شیوه معیشت در فضای زیستی و محیط مسکونی جلوه نمیکند، در حالی که وجود شیوه معیشت کشاورزی- چه به علت وجود هسته های اولیه روستایی و چه به علت سرمایه گذاری های جدید- نه در پیرامون بلکه در لا به لای کانون های زیستی متشکله مجموعه، به فضای زیستی و محیط مسکونی رخساره ای تازه می بخشد، گو این که شیوه معیشت شیوه مناسب نیست. سیمای کالبدی ناشی از این امر، مجموعه زیستی گسترده ای را می نمایند، که کانون های متشکله آن با فاصله گاه دور و گاه نزدیک- ولی به هر تقدیر جدای از هم- در فضای مجموعه جای گرفته اند.

به عبارت دیگر سازمان اقتصادی-اجتماعی مجموعه تبلور کالبدی خود در فضای زیستی را دقیقاً به نمایش گذاشته است و ترجمان دقیق از شرایط شکل گیری خود به دست داده است. نقشی که این بیان جدید در محاوره فضایی این کانون ها دارد نیز دقیقاً همانی است که باید باشد، نه شهر و نه روستا، پدیده ای نو، سازمانی فضایی که حال و هوای شهر دارد و سازمانی اجتماعی- فرهنگی که رنگ و بوی روستایی آن کاملاً مشهود است.



این پدیده نو که در اکثر موارد، به دلیل عدم انطباق آن با ذهنیت دست اندر کاران، به عنوان تبلوری از آشفتگی اقتصادی-اجتماعی و کالبدی-فضایی تلقی می گردد، دقیقا منبعث از شرایط اقتصادی-اجتماعی و زیستی-تولیدی حاکم بر جامعه است. آنچه در بستر جامعه در جریان است، مهر و نشان خود را بر فضای کالبدی زده است. و آنچه در این میان دشواری آفرین است، نه واقعیت و عینیت این پدیده که ذهنیت و تخیلی است که در برخورد با این پدیده وجود دارد. و هم از این روست که این پدیده در ربط با جوابگویی به نیازهای جامعه عمل می کند، گو این که به علت برنامه دار نبودن آن، تنها می تواند به برآورده کردن حداقل ها اکتفا کند. بنابراین حداقل کار در این مقطع، برنامه دار کردن رشد و توسعه این پدیده نو است: برنامه ریزی برای رشد و توسعه این کانون های زیستی کوچک و جدا از هم در دل مجموعه ای بزرگتر. (حبیبی، 1381: 29)

وجود تفاوت فرهنگی بین جوامع حاشیه نشین و جوامع شهری باعث ایجاد تعارضات و مشکلات بسیار شده است. عوامل به وجود آمدن این تفاوت ها را می توان ناشی از فرهنگ متفاوت شهر و روستا دانست به طوری که حاشیه نشینان به دلیل پذیرفته نشدن در جامعه شهری و عدم توانایی و یا عدم رغبت در بازگشت به روستا دچار نوعی طرد شدگی می شوند. این حالت نیز به خاطر عدم پذیرفته شدن در بین شهر نشینان و دارا نبودن طبقه اجتماعی متوسط و بالاتر (بیش از 90 درصد حاشیه نشینان دارای طبقه اجتماعی خیلی پایین و یا بسیار پایین هستند) و هم چنین نا متعارف بودن محل سکونت و نداشتن منزلت اجتماعی بین شهر نشینان است.

تفاوتهای فرهنگی یاد شده اغلب موجب ایجاد نقاط جرم خیز در این مناطق می شود. با وجود این که جرم خیزی وابسته به چندین عامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است اما عامل فرهنگی تاثیر شگرفی بر جرم و جنایت و تشکیلات مافیایی در این مناطق دارد.

برای از بین بردن و یا حداقل کم کردن معضلات فرهنگی راهکاری پیشنهاد شده است از جمله:

یک: آشنایی حاشیه نشینان با مسایل دینی از جمله حلال و حرام بودن برخی مشاغل.

دو: تسهیلات ویژه آموزشی برای روستایی ها و شهرستانی ها. این تسهیلات اعم از اعطای بورس و وام تحصیلی، استفاده از امکانات از آموزشی شهر در طی روزها و یا ماههای خاص برای فرزندان آنها همراه با وسایل ایاب و ذهاب.

سه: استفاده از تجربیات و شنیدن صحبت های آنها در جهت کمک و یاری رساندن آنها.

چهار: آموزش روستاییان با اثرات سو و زیان بار مهاجرت به شهر های بزرگ. (ربانی، 1383: 148)

پنج: کمک به بازگشت مهاجرین با فرهنگ های بیگانه به کشور های مبدشان (عراق و افغانستان و غیره و...)

حاشیه نشینی از دیدگاه مسکن

این نکته را باید در نظر داشت که لغت مسکن را نمی توان صرفا سقفی بالای سر افراد دانست. مسکن مناسب باید از مصالحی مناسب و با دوام و متناسب با محیط و اقلیم ساخته شود به طوری که بتوان آن را برای بازه ای زمانی پایدار تلقی کرد. مسکن باید بتواند آسایش محیطی ساکنانش را تامین کرده و طبق اصول و قواعد کلی در این زمینه با ارتباط با تاسیسات و تجهیزات شهری برای رفع نیاز های اولیه ساخته شود، نقض این مورد را می توان به خوبی در بلوک های حاشیه نشین مشاهده کرد، به طوری در بیشتر مواقع خانه ها بدون اتصال به شبکه فاضلاب و هر گونه زهکشی مناسب و استاندارد فاضلاب خود را به درون معابر موجود رها می کنند و یا به زیر زمین انتقال می دهند که این مورد موجب پیش آمدن مشکلات بسیار چه برای ساکنین و چه برای ساکنین دیگر بخش های شهر می شود و چهره زشت خود را هر چه بیشتر نمایان می سازد.

از دیگر نکات برای تعریف یک واحد مسکونی خوب میتوان به دسترسی به کاربری های مختلف اشاره کرد. در بلوک های حاشیه به سبب موارد ذکر شده معابر و شبکه ها راه ها اغلب غیر اصولی بوده و دارای نظام خاصی نمی باشند و گاهی عرض



معابر تنها برای عبور یک نفر جوابگو است. تفکیک اراضی برای خانه سازی اغلب با مساحت و عرض بسیار کم و غیر استاندارد است و هم چنین سرانه مسکونی در این بلوک ها بسیار بالاست، این در حالی است که در بیشتر موقع کاربری های خدماتی و تجاری و فرهنگی مورد نیاز در این قسمت ها وجود ندارد و مردم نیاز و مایحتاج خود را از طریق شهر یا شبه مغازه هایی با بدترین کیفیت ها تامین میکنند.

از دیگر مشکلات مسکن در مناطق حاشیه نشین به قانونی نبودن زمین ها میتوان اشاره کرد. اغلب ساکنین مناطق حاشیه نشین زمین های واحد های مسکونی را به طور غیر قانونی اشغال کرده و مورد ساخت و ساز قرار داده اند و یا از سوداگران زمین و بدون سند آن را تامین کرده اند. همین مورد باعث می شود شهرداری ها تعهدی نسبت به واحد های مسکونی نداشته باشند و آن ها را از خدمات شهری محروم سازند. یکی از مواردی که باعث می شود نوعی طرد شدگی از طرف شهر و جامعه شهری در این مناطق احساس شود همین عدم خدمت سانی شهری است. این حس طرد شدگی تا جایی افزایش می یابد که زاغه نشینان خود را بخشی در مجاورت شهر شهر می پندارند و فرهنگی متفاوت و مختص به خود را ایجاد میکنند. در مطالعات انجام شده از زاغه نشینان در نقاط مختلف شهری این نتیجه بدست آمده که این جامعه علاقه زیادی به ارتباط با واحد های بیرون نداشته و همبستگی اجتماعی در نقاط غالب است.

بیکاری و فقدان امنیت شغلی و خطراتی که در کارهای بعضی از آنها وجود دارد و همواره سلامتی آن ها را تهدید میکند باعث می شود که به دنبال کنترل متغیری هم چون مسکن باشند. زندگی حتی در فقیر ترین مناطق شهری معضل اجاره خانه های رو به افزایش را برای آن ها را ایجاد میکند که به واسطه مشکلات مذکور قادر به انطباق یافتن با آن نیستند. از این رو دست یابی به مسکنی که نرخ آن به واسطه تغییر شرایط تغییر نپذیرد و از وضعیتی ایستا برخوردار باشد مطلوب است. (اسماعیلی، 1391:188)

در اکثر شهر ها معمولا مهاجران تهی دست روستایی بعد از مهاجرت از روستا ها در اراضی پیرامونی و گاه داخلی شهر ها قطعه زمینی را اشغال میکردند و در اراضی بایر و غصبی هر خانوار بنا بر میزان نیاز و به نسبت وضع مالی خود، قطعه زمینی را تصرف میکردند و در آنجا یکی دوتا اتاق محقر، با استفاده از لاستیک های فرسوده، حلبی های خالی بنزین و روغن و خشت و گل و آجر کهنه آلونکی را برپا میکردند و سکونت میکردند. در برخی مناطق آلونک نشین تعداد اندکی خانوار که نسبت به سایر افراد از امکانات مالی بیشتری برخوردار بودند، زمین وسیع تری را تصرف و پیرامون آن را با سیمان و مصالح حصار می کشیدند و از آن محوطه به عنوان حیاط استفاده میکردند.

به طور کلی آلونک ها (اتاق ها، زاغه ها و...) عموما فاقد نور و هوای کافی بودند و در محیط زندگی آنها، به عنوان یک منطقه خارج از محدوده شهری هیچ گونه خدمات و تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و عمومی عرضه نمی شد. (حبیبی، 1381:21)

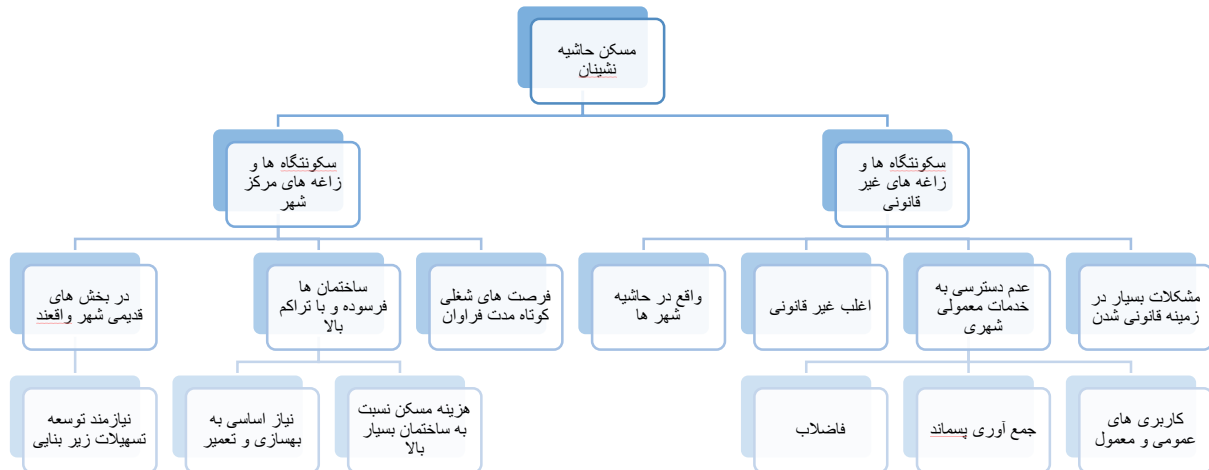
به طور کلی میتوان زاغه ها را به دو دسته تقسیم کرد:

1- سکونتگاه ها و زاغه های غیر قانونی: در حاشیه شهر ها ظاهر می شوند و اغلب به شکل غیر قانونی زمین ها را اشغال میکنند. خانوار ها به سرعت مسکن خود را در این مناطق می سازند، اما در زمینه دسترسی به آب پاکیزه و سیستم دفع فاضلاب بهداشتی و سایر خدمات معمول شهری با مشکلات بسیاری مواجه می گردند. قانونی کردن این زمین ها از جمله مشکلات شهر ها و این جوامع به شمار می رود.

2- سکونتگاه ها و زاغه های مرکز شهر: معمولا در بخش های قدیمی تر شهر دیده می شوند. در این مناطق خانوار ها و مهاجر های جوان در ساختمان های کهنه و شلوغ که فاقد سرویس های شهری و یا دارای نوع بسیار فقیرانه آن هستند، زندگی می کنند. سرویس های شهری در این مناطق رو به زوال نابودی است و به بهسازی و بهبودی اساسی نیاز دارد. از طرف دیگر فرصت های اشتغال کوتاه مدت فراوانی در آنها وجود دارد و هزینه مسکن نیز در این گونه مناطق به رغم شرایط بسیار بد آنها بسیار



بالاست. در این مناطق توسعه تسهیلات زیر بنایی در حد استاندارد، و فراهم کردن سرویس های اساسی شهری، معضل مهمی است که باید به آن توجه کرد. (امیری نژاد، 1391: 31)



خلاصه ای انواع زاغه نشینی و معضلات آنها

معضل مسکن حاشیه نشین در ایران نیز رخ نشان داده که به گونه ای که دکتر پیران می نویسد: چنین اسکان نامتعادلی شدتی به مراتب کمتر در سایر کلان شهر های کشور نیز دیده می شود که محصول پیشگامی بخش سوم اقتصاد یا خدمات در اقتصادی است بر سر ایستاده. اقتصادی که در عین حال از درآمد حاصل از فروش ماده خامی چون نفت و سال ها بعد گاز نیز برخوردار است. بدیهی است که تحول نظام شهری آنها نا آمده و به ناگهان، یعنی برخورد این نظام یا تخلیه جمعیت نظام ایللیاتی و بخش عمده ای از نظام روستایی در شهرها، مسأله سرپناه یا ساکن شدن در چهار دیواری اختیاری حال به صورت خرید، رهن کامل، رهن و اجاره و یا اجاره را به معضلی سخت جدی و دردناک مبدل می سازد. خانوارهای تهیدست و لایه های پایین و متوسط طبقه متوسط یعنی 5 لایه از 9 لایه طبقاتی جامعه، بیش از همه از این معضل صدمه می بینند. این لایه ها یعنی سه لایه ی طبقه پایین و لایه پایین و متوسط طبقه متوسط به اشکال مختلف می کوشند تا خود را به هر شکل ممکن با معضل رشد یابنده ی مسکن منطبق سازند که اسکان غیررسمی یا شکل گیری اجتماعی یک شبه بر پا شده بر زمین غیر به صورت غیرقانونی، یکی از آن شیوه های انطباق است که موضوع مقاله حاضر می باشند.

در ادامه این مطالب آمده است: مسکن در بین سه مفهوم یاد شده (مسکن، گروه های کم درآمد، اسکان غیر رسمی) مفهومی آشنا برای همگان است و به محل دایمی (حداقل یک ساله) زیستن خانواری گفته می شود که به چهار صورت مالکیت، رهن کامل، رهن و اجاره و یا فقط پرداخت اجاره بها، در اختیار آن خانوار قرار گرفته است تا در آن سر بر بالین نهند تا مجدداً برای رنج زندگی شهری فرمایشان آماده شوند. گروه های کم درآمد به معنای آن دسته از جمعیت است که در هر ماه یا درآمدی کمتر از خط فقر، مساوی مبلغ اعلام شده ی خط فقر یا کمی بیش از آن گاه با رنج و تحقیری جانکاه به کف می آورند. بر همین اساس در مقاله حاضر مسکن کم درآمدها از یک سو ساکنان اجتماعات اسکان غیررسمی و از سوی دیگر کل گروه های تهی دست و لایه های پایین و متوسط طبقه متوسط را در بر میگیرد. افزودن لایه متوسط طبقه ی متوسط امری جدید است، زیرا یا افزایش اجاره بها، مبلغ پیش پرداخت رهن کامل و یا مبلغ رهن و اجاره، لایه های پایین و متوسط طبقه متوسط نیز درگیر معضل رو به رشد مسکن شده و درصدی از آنان در مناطق اسکان غیررسمی ساکن شده اند. بالاخره مفهوم سوم یا اسکان غیررسمی به ساکن شدن در مسکن خود ساخته و یک شبه بر پا شده ای اطلاق می گردد که بر زمین



غیر (حال یا با توافق مالک به صورت قولنامه ای و یا بدون توافق) بنا شده است و فاقد سند مالکیت می باشد. اسکان غیررسمی به عنوان جانشین مفهوم سخت نادرست حاشیه نشینی عنوان شده است. زیرا مفهوم حاشیه و حاشیه نشین که از شرایط اقتصادی کشورهای غربی اقتباس شده است به هیچ وجه از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی جغرافیایی، قابل اطلاق به اجتماعات اسکان غیررسمی ایران یا جهان سوم به طور کلی نیست از سوی دیگر ساکنان این گونه اجتماعات از مفهوم حاشیه و حاشیه نشین به شدت رنج می برند. که در این شرای استفاده از چنین مفهومی به هیچ وجه مجاز نیست. در نتیجه گیری از بحث فوق پیران می نویسد: بهر تقدیر نکته مهم آن است که در آغاز پیدایش اجتماعات اسکان غیررسمی نگاه دستگاه های دولتی و جامعه، به این قبیل سکونتگاه ها فوق العاده منفی بود و همگان آنها را معضل شهری تلقی می کردند. لیکن طی چهاردهه این اشتباه اساسی تصحیح شد و به تدریج این پرسش مطرح گردید که اگر در دهه های پنجاه شمسی و شصت تا اواسط دهه هفتاد، مهاجران روستایی سرازیر شده به سمت شهرها نمی توانستند خود سرپناهی برای خانواده خویش دست و پا کنند، معضلاتی چون تعداد افراد زیر خط فقر، تعداد مجرمانی که از سر ناچاری به جرم دست می زدند، تعداد فقرای شهری، فروشندگان مواد مخدر و ده ها آسیب اجتماعی دیگر به چه میزان رشد می کرد؟ پس باید با جان اف ترنر هم صدا شد که گفته است: برنامه ریزی خود جوش مردمی در جوامعی است که برای مسکن اقشار فقیر و کم درآمد برنامه ای ندارند.

با توجه به مطالب ذکر شده مسکن حاشیه نشینان چه درون شهر و چه در حاشیه آنها نیاز به مرمت و نوسازی و نهایتاً قانونی شدن دارد اما در انجام این مراتب مشکلاتی وجود دارد، برای مثال کیفیت مسکن برای حاشیه نشینان در اولویت نیست. معضل شغل اولویت اصلی آنهاست. برای آنها همین کافی است که پناهگاه مطمئنی داشته باشند که تغییرات شرایط تاثیری بر آنها نداشته باشد، اما آنچه برای آنها در صدر امور قرار دارد منبع درآمدی که آن هارا از گرسنگی در امان نگه دارد. یکی از آنها در پاسخ به این که چرا دنبال مکان بهتر نیستند پاسخ میدهد:

- مگه اینجا چشمه؟ حالا مثلاً اگه تو آپارتمان شش خوابه زندگی کنیم زندگیمون بهتر میشه؟ آدم یه جا میخواهد که آفتاب تو سرش نخوره و باد زندگیشو نبره. الان ما خدارا شکر خونه خودمونو داریم مشکل اصلی ما الان بیکاریه.

موضوع فرعی دوم در عدم انجام فرآیند یاد شده را می توان عدم اولویت مالکیت بدین معنا که: گرچه این منطقه به صورت منطقه ای قانونی که از حق مالکیت شخصی اعضا برخوردار باشد وجود ندارد، اما به نظر می رسد که طبیعی شدن سکونت غیر قانونی در این مناطق مسائله دار بودن مالکیت در این حوزه را از میان برده است.

موضوع سوم نیز نبود تمایلات فرهنگی و اجتماعی یکسان با شهرنشینان است. فرد گرایی و مصرف گرایی آنچنان که در جوامع شهری مدرن باب شده است، در اینگونه جوامع وجود ندارد. منظور نبود چنین تمایلاتی در این افراد نیست بلکه این تمایلات در شرایط کنونی مجالی برای بروز نمی یابند. از این روست که حضور گاه 7 یا 8 نفر در یک آلونک کوچک آنگونه برای یک شهر نشین مرفه مسائله ساز به نظر می رسد برای یک حاشیه نشین مشکل ساز نیست. در پاسخ به این که آیا زندگی در یک خانه کوچک در کنار تعداد زیادی از افراد سخت نیست:

- تازه الان کم شدیم، تا شش هفت ماه پیش برادر زاده هامم پیش ما بودن. الان دوباره برگشتن ده. اما اون موقع که بودن خدا وکیلی بیشتر خوش می گذشت.

موضوع دیگر این است که شمار قابل توجهی از ساکنین این منطقه دارای پیوند های خویشاوندی با یکدیگر هستند. پیوند هایی که حاصل زیست مشترک آنها در سکونت گاه قبلی آنهاست و اساساً مکانیسم اغلب مهاجرت ها به گونه ای است، که آمدن یک عضو از طایفه بزرگ به آن منطقه، به چراغ سبزی برای ورود سایر اعضا بدل می شود، این امر سبب می شود که شمار قابل توجهی از ساکنان دارای الگوی مشترک اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شوند.

به علت پایداری روابط افراد که از روستاها به این ناطق مهاجرت کرده اند با خویشاوندان خود در روستا، مدام بر تعداد آنها در این مناطق افزوده می شود. گاه که به دلایل مختلف امکان ساخت مسکن جدید وجود دارد، ساکنان کنونی اقوام تازه مهاجرت کرده را در آلونک های خود جا می دهند. (اسماعیلی، 1391: 3-191)



راهکار های پیشنهادی برای رفع معضل حاشیه نشینی

با توجه به موارد ذکر شده حل معضل حاشیه نشینی وابسته به همکاری گروه ها و سازمان های بسیاری است و همکاری دولت، مردم و حاشیه نشینان را می طلبد. دولت و حکومت ها در کشور های مختلف به روش های گوناگون همواره سعی در وریارویی با این مشکلات را داشته اند، هرچند سیاست های شهری آنان اغلب با شکست مواجه شده است. این مسائله ناشی از این نامنه های نامناسب، عدم کارایی و راکد بودن بازار زمین، کمبود های اساسی در امور سیاسی و نظایر این هاست. وسعت و مقابله با فقر شهری در کشور های مختلف متفاوت است که به بعضی از آنها اشاره می گردد.

1- تغییر موقعیت زاغه ها و مناطق فقیر نشین

در این روش به از بین بردن زاغه و مناطق فقیر نشین مرکز شهر و انتقال آنها به مراکز خارج از شهر و دور از مرکز شهر تاکید می گردد. لازم به ذکر است که اغلب محله های فقیر نشین در مرکز شهر ها ظاهر می گردند، زیرا در این مکان ها فقرا ساده تر میتوانند کار پیدا کنند. تغییر مکان معمولا به دو روش انجام می شود؛ یکی جا به جایی ساکنان بدون اعمال زور، در مقابل دادن زمین در مکانی دیگر به صورت معوض و دیگری جا به جایی زاغه ها با اعمال زور. این روش ها یعنی جا به جایی ساکنان به همراه متعلقات کالبدی آنها به دیگر نقاط شهر، معمولا نتایج مطلوبی را به همراه ندارد. به عبارت دیگر دولت ها نه تنها منابع مالی زیادی را صرف این جا به جایی می کنند، بلکه هزینه زیادی را به پاک کردن منطقه از زاغه ها و ایجاد تسهیلات لازم برای دسترسی ساکنان به مراکز اشتغال در مرکز شهر اختصاص می دهند. بدین ترتیب این روش از لحاظ اقتصادی چندان مناسب نمی نماید.

2- پاک کردن منطقه از زاغه ها و باز سازی و توسعه مجدد آنها

در این روش ساکنان این محله ها به طور موقت به نقاط دیگر انتقال داده می شوند. سپس منطقه از سکونتگاه های زاغه ای پاک میگردد و پس از ساختن سکونتگاه های جدید، مجددا در این مناطق اسکان داده می شوند. ساختمان های جدید ساخته شده، اغلب به صورت آپارتمان های چند طبقه اند، تا بدین وسیله جمعیت بیشتری اسکان داده شوند. البته تجربیات نشان می دهند که تراکم جمعیت در سکونتگاه های آپارتمانی جدید کمتر از زاغه ها است. هم چنین در فضاهای آپارتمانی خانواده های کم درآمد از داشتن فضایی برای داشتن کاسبی های کوچک نیز- که می تواند منبع کمک درآمدی برای خانواده های آنها باشد- محروم میگردد.

3- بهسازی محله های فقر نشین

راه حل جایگزین دیگر، بهسازی و بهبودی دادن به شرایط زندگی به زاغه ها و محله های فقیر نشین است. این بهبودی شامل ایجاد زیر ساخت های مناسب زیست محیطی مانند شبکه های آبرسانی، سیستم تخلیه فاضلاب، سیستم زهکشی، برق و نظایر آنها است.

بهسازی زاغه ها بازسازی سکونتگاه ها را شامل نمی شود و این امر به عهده ساکنان آنهاست و می توان وام هایی را برای بهبودی دادن به شرایط مسکن در اختیار آنان قرار داد. قدم بعدی از بین بردن خطرات زیست محیطی و ایجاد مراکز بهداشتی و مراکز آموزشی در سطح منطقه است. گام نخست بهسازی محله های فقیر نشین و زاغه ها، انتقال مالکیت زمین به اشغال کنندگان غیر مجاز زمین هاست، آن هم با قیمتی که آن ها قادر به پرداخت و خرید زمین باشند. دادن حق به مالکی به آنها باعث می گردد که آنها برای بهبود شرایط زندگی یشان خود اقدام کنند و سه تا چهار برابر آن چه دولت سرمایه گذاری می کند، هزینه کنند. (امیری نژاد، 1391: 33)



بهسازی

ایجاد زیر ساخت های مناسب

رفع خطرات محیطی

انتقال مالکیت زمین به
تصرف کنندگان با کمک
دولت

پاکسازی و بازسازی

انتقال ساکنین و از بین بردن
زاغه ها

ایجاد مسکن جدید به صورت
آپارتمانی

ایجاد فضایی جهت کسب و
کار های کوچک برای
ساکنین

تغییر موقعیت ساکنان زاغه ها

از بین بردن زاغه های مرکز
و انتقال به خارج شهر

دادن زمینی به ازای زمین
تحت تصرف زاغه ها به
ساکنین

خلاصه فرآیند بهبود وضعیت حاشیه نشینان

نتیجه گیری

راه حل های ذکر شده با اینکه میتواند با مدیریت صحیح و همکاری ساکنین موثر باشد، با این حال در بسیاری از موارد به دلیل تحقق یکی از دو مورد بالا و یا هر دوی آن ها عملیاتی نمی شود. مقاومت حاشیه نشینان به دلیل مطلوبیت نسبی و حس تعلقی است که آنها به محیط دارند. اکثریت حاشیه نشینان علاقه برای برگشت به محیط زندگی قبل از حاشیه نشینی خود ندارند زیرا محیط فعلی را تمام سختی مطلوب تر و بهتر می بینند. فرهنگ فقر و سرشکستگی و طرد شدگی در این جوامع به طوری نهادینه شده که به سختی میتوان آن هارا از این فضا خارج کرده و به محیطی جدید وارد کرد این مقاومت گاهی به حدی زیاد میشود که دولت و نهاد های مربوط مجبور به اعمال زور برای بهبود وضعیت میشوند که این مورد هم در بیشتر مواقع پاسخگو و مناسب نیست. شاید بهترین راه برای حل مشکل حاشیه نشین در اولین گام رفع مشکلات اقتصادی آنان باشد، این وضعیت می تواند با تامین شغل مناسب و رسمی تثبیت شود و در گام بعدی با از بین بردن حس تعلق و فرهنگ فقر در این مناطق اقدام به قانونی کردن مسکن و اراضی و سپس نوسازی آن ها و یا انتقال نمود.



منابع

- 1-حییبی، سید محسن " نقش و جایگاه های مجموعه های زیستی پیرامون شهر های بزرگ در نظام اسکان کشور"، نشریه هفت شهر، 1381
- 2-پیران، پرویز "مسکن گروه های کم درآمد و اسکان غیر رسمی در ایران"
- 3-ربانی، رسول "پدیده حاشیه نشینی و پیامد های اجتماعی، فرهنگی آن(ارزنان و دارک اصفهان)", مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، 1383
- 4-اسماعیلی، رضا " بررسی تجربه حاشیه نشینی از دیدگاه حاشیه نشینان: یک مطالعه پدیدار شناسانه"، نشریه مطالعات شهری، 1391
- 5-امیری نژاد، غزال " زاغه نشینی و اسکان غیر رسمی"، نشریه پیام، 1391
- 6-حاج یوسفی، علی " حاشیه نشینی شهری و فرآیند تحول آن قبل از انقلاب اسلامی"، نشریه هفت شهر، 1381
- 7-نقدی، اسدالله "حاشیه نشینی به مثابه آپاندیسیت شهری، فصلنامه علمی تخصصی برنامه ریزی منطقه ای"، 1391
- 8-زنگی آبادی، علی "تحلیل علل اقتصادی اجتماعی حاشیه نشینی در شهر اصفهان"، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، 1384
- 9-حسین زاده، محبوبه "حاشیه نشینی به قدمت شهر نشینی"، نشریه اعتماد، 1386
- 10- طرح بررسی حاشیه نشینی (محله های فرودست شهری - اسکان غیررسمی)



سومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری
The third annual conference for research in architecture, urban planning and urban management

